حسن معجونی در پشت‌صحنه ضبط «خندوانه» به «فرهیختگان» گفت:

باید رسانه همه اقشار جامعه باشیم

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

قرارمان ساعت ۵:۳۰ عصر است اما با ترافیک‌های اسفند یک‌ربع دیرتر می‌رسم و انگار برنامه شروع شده، صدای محمد بحرانی را می‌شنوم که طبق معمول همیشه درحال کل کل و خنده با رامبد جوان است و با خواندن آهنگ‌های جنوبی همیشگی‌اش، صدای خنده و تشویق تماشاگران را با خودش همراه می‌کند. یک قسمت از یک آهنگ را مدام تکرار می‌کند. کمی صحبت می‌کند و دوباره با تکرار همان آهنگ، خنده را به لب تماشاگران می‌آورد. خودم را به نگهبانی که جلوی در ایستاده معرفی می‌کنم و با هماهنگی‌ای که انجام می‌دهد وارد استودیو می‌شوم. از یک راهروی باریک وارد همان راهرویی می‌شوم که این شب‌ها درخندوانه زیاد دیده‌اید، همان راهروی نورانی که محصود کریمی با بچه‌های خنداننده‌شو مصاحبه می‌کند و غم و شادی‌شان را ثبت می‌کند.

وارد اتاقی می‌شوم که برخی بچه‌های برنامه درحال تماشای بخش اول ضبط امشب هستند و به حرف‌های جناب‌خان می‌خندند. در اتاق روبه‌رویی هم بچه‌های این دوره خنداننده‌شو جمع شده‌اند و قرار است امشب فینالیست‌ها مشخص شوند، هست که درتلاشم تا گفت‌وگویی با او داشته باشم و می‌خواهم اگر چنددقیقه‌ای فرصت بدهد با هم صحبت کنیم. عذرخواهی می‌کند و می‌گوید خیلی سرناخ عوامل بروم. چشمم به محمد بحرانی می‌افتد که بعد از ضبط بخش اول خودش را به پشت‌صحنه رسانده و درحال خوش‌وبش کردن با بچه‌هاست از اتاق بیرون می‌آیم، نزدیکش می‌شوم و صدایش می‌کنم و بعد از معرفی، می‌گویم تقریبا یک سالی برای همین مدام در اتاق راه می‌روند و استرس دارند. با نازنین متین‌نیا، مدیر رسانه‌ای برنامه در مورد انجام مصاحبه‌ها صحبت می‌کنم و قرار می‌شود خودم سراغ عوامل بروم. چشمم به محمد بحرانی می‌افتد که بعد از ضبط بخش اول خودش را به پشت‌صحنه رسانده و درحال خوش‌وبش کردن با بچه‌هاست از اتاق بیرون می‌آیم، نزدیکش می‌شوم و صدایش می‌کنم و بعد از معرفی، می‌گویم تقریبا یک سالی

استعدادهایی که درخندوانه پیدا شدند

مطمئنا یکی از ویژگی‌های این برنامه با شروع «خنداننده شو» بحث استعدادیابی بوده است، استعدادهایی که شاید تا قبل از این کارشان را در گوشه‌ای از صحنه تئاتر اجرا می‌کردند اما حالا استندآپ یکی از بخش‌های مهم طنز است. خندوانه یکی از آن برنامه‌هایی است که بسیار توانسته در مورد استندآپ کمک کند.

از یکی از بچه‌هایی که آنجا هستند سراغ تیم نویسندگی برنامه را می‌گیرم و راهنماییم می‌کند و اتاقی را نشان می‌دهد. وارد اتاق می‌شوم و سلام می‌کنم. میثم درویشان‌پور درحال نوشتن روی کاغذی است که جلویش قرار دارد و بعد از خوش‌وبش و معرفی می‌گویم که می‌خواهم گفت‌وگویی در مورد برنامه داشته باشم، قبول می‌کند. دیگر همه می‌دانیم که او در اولین دوره خنداننده‌شو توانست رتبه اول را کسب کند و آنچنان توانایی نشان داد که توانست خودش را به‌عنوان یک کمدین اثبات کند و حالا در این دوره از خنداننده‌شو به‌عنوان مربی درکنار بچه‌ها حضور دارد و آنها را راهنمایی می‌کند.

با خوشرویی مصاحبه را پذیرفت، ابتدا از سختی‌های این دوره خنداننده‌شو پرسیدم و اینکه برخی معتقدند چون این دوره از خنداننده‌شو رقابتی زیادی در فضای مجازی و شبکه نمایش خانگی داشت، قدری دیر توانست مردم را با خودش همراه کند. سری تکان می‌دهد و در جواب می‌گوید: «فصل‌های قبلی خنداننده‌شو هم تقریبا از مرحله یک‌هشتم برای مردم جذاب‌تر می‌شد، چون شرکت‌کننده‌ها دیگر غریبال شده و برای مردم شناخته شده‌اند اما این دوره، به‌شخصه، برای من که مربی بودم سخت‌تر بود و انگار اگر اجرا داشتم راحت‌تر بود. امسال روند مسابقه هم متفاوت با دوره‌های قبل است. مربی‌ها در تمام مراحل درکنار شرکت‌کننده‌ها بودند. در ابتدای این دوره برخی از بچه‌ها به‌صورت حرفه‌ای با نگارش متن استندآپ آشنا نبودند و تیم نویسندگان به آنها کمک کردند، البته با گذشت زمان و رسیدن به مرحله‌های بعدی شرکت‌کننده‌ها هم در نوشتن بهتر شدند و جنس اجراهای خود را پیدا کردند.»

از تمرین‌ها می‌پرسم و خنده‌ای می‌کند و می‌گوید: «تمرین زیاد داشتیم، من و افشاری و حسینی و فتوحی از شروع مسابقه مربی پنج نفر از بچه‌ها شدیم. در مرحله اول فرصت بیشتری داشتیم و با هرکدام از شرکت‌کننده‌ها فرصت کافی برای تمرین داشتیم اما رفته‌رفته تعداد اعضای گروه‌مان کمتر شد و فاصله اجراها هم کمتر، البته گاهی هم مسائلی مثل ممیزی به مشکلات اضافه می‌شد، چون ناگهان متن اجرا رد می‌شد و مجبور بودیم در فاصله کوتاهی متن جایگزین را آماده کنیم و این کار را سخت می‌کرد و درنهایت می‌توانم بگویم که اجراها استاندارد و در حد و اندازه اجرای روی استیج خندوانه بود.»

سوال بعدی را به سمت‌وسوی خنداننده‌شوهای قبلی می‌برم و می‌پرسم: «اگر با آن دوره‌ای که خود شما در خندوانه بودید مقایسه کنید، چطور ارزیابی می‌کنید؟ بچه‌هایی که الان می‌آیند یک آمادگی داشتند و چند دوره را دیدند و یک‌سری چیزها را می‌دانند. اما این مساله مخصوصا در دوره شما نبود و مطمئنا کار را سخت‌تر می‌کرد، چقدر این موضوع را قبول دارید؟»

سری تکان می‌دهد، تایید می‌کند و در ادامه می‌گوید: «بله، این اجتناب‌ناپذیر است. ما دوره اول بودیم و نمی‌دانستیم چه اتفاقی می‌افتد حتی برنامه‌سازی رامبد جوان در خندوانه برای خنداننده‌شو هم یک مسیر تاریکی بود، چون نمونه‌ای دیگر از این مسابقه در ایران وجود نداشت و رامبد جوان و خنداننده اولین بودند. ما مرحله به مرحله جلو می‌رفتیم و چراغ‌ها روشن می‌شدند، بنابراین در سری‌های دوم و سوم مسیر شناخته شده‌تر شد. مهم‌ترین تغییر این فصل نیز همین حضور داوران و مربی‌ها بود و اینکه دیگر داورها مربی شرکت‌کننده‌ها نبودند و فقط داوری می‌کردند.»

درحال صحبت هستیم که اسطوالب حسینی وارد می‌شود و در مورد متن‌ها با هم صحبت می‌کنند و بعد از تمام شدن صحبت‌هایشان از کمک خنداننده‌شو به حوزه طنز می‌پرسم و می‌گوید: «خنداننده‌شو از قسمت اول برای مردم جذاب بود و دوست داشتند کمدین‌های جدیدتری را ببینند. این برنامه یک صحنه استاندارد و قابل‌اعتماد برای کسانی است که می‌خواهند استندآپ کمدی را انجام دهند. این برنامه تاثیر زیادی در آشنایی مردم با استندآپ داشت؛ اجراهای کمدی در کافه‌ها راه افتاد، مردم با مفهوم استندآپ آشنا شدند و جوان‌های علاقه‌مند به این حوزه هم به ادامه کار امیدوار شدند.»

سوال بعدی را به فضای اینستاگرام می‌برم و اینکه در شرایط فعلی با حضور فضای مجازی، مردم هر چیزی را که می‌خواهند در آن فضا پیدا می‌کنند، برای همین به نظر می‌رسد کار طنز در تلویزیون سخت‌تر خواهد بود، با حرفم کمی مخالف است و می‌گوید: «آن زمان هم اینستاگرام بود. هرکسی که تلویزیون نگاه می‌کند می‌داند که قواعد به‌هرحال با فضای مجازی متفاوت است و نه‌فقط خنداننده که همه برنامه‌ها باید چهارچوب و قواعدی را رعایت کنند اما در همین چهارچوب هم به‌نظرم بچه‌ها خوب اجرا کرده‌اند، البته از همین فضای اینستاگرام هم در خنداننده استفاده شد و پیج خنداننده بلافاصله اجرا را منتشر می‌کردند و لینک را می‌گیری هم‌بود و درواقع فضای مجازی به کمک برنامه آمد.»

باید برای دیدن برنامه به کنار بچه‌های کمدین برود و برای همین سوال آخر را می‌پرسم و می‌گویم: «مطمئنا الان به‌لحاظ اقتصادی در شرایط سختی هستیم، به‌نظرتان چقدر برنامه‌هایی مثل خنداننده می‌تواند در این شرایط به مردم کمک کند؟» درجواب رسالت این برنامه‌ها را در زمان بحران، سختی و دغدغه می‌داند و می‌گوید: «نه‌تنها خنداننده که هر برنامه طنز دیگری رسالتش در زمان‌های بحران و سختی مردم بیشتر می‌شود. مردم به دقایقی برای جدا شدن از دغدغه‌ها و مشکلاتشان نیاز دارند و این برنامه‌ها به این نیاز کمک می‌کند. برنامه‌های اینچنینی می‌توانند حال دل مردم را خوب کند و این همان رسالتی است که برای این برنامه‌ها چیده شده است.»

صحبت‌هایمان که تمام می‌شود، تشکر می‌کنم و نگاهی به بیرون از اتاق می‌اندازم، هاناستوهی، علی غریب، محمدحسین توسلی درحال صحبت هستند و مشخص است استرس دارند که بالاخره امشب کدام‌یک باید برای فینال انتخاب شوند. جنب‌وجوشی که در پشت‌صحنه وجود دارد، انسان را به‌وجد می‌آورد و ناخودآگاه می‌خواهی این همه جنب‌وجوش را در نوشتن به تصویر بکشی.

حال بد را تغییر بدهیم با امید

زمانی که سال ۱۳۹۳ خندوانه کارش را شروع کرد، شاید خیلی‌ها فکر نمی‌کردند این برنامه آن‌قدر ادامه پیدا کند و بتواند این‌قدر مخاطب داشته باشد. رامبد جوان در گفت‌وگویی که دی‌ماه امسال با ایسنا داشت در مورد هدف شروع این برنامه گفته بود: «حدود ۱۸ سال پیش روزی که تصمیم گرفتم برنامه‌ای با موضوع خنده و خندیدن بسازم، وضعیت بهتر از الان بود. گرفتاری‌هایمان را داشتیم ولی اوضاع آرام‌تر بود. در آن سال‌ها این برنامه را طراحی کردم تا ببینم چقدر نیاز به خندیدن داریم و چقدر خندیدن در زندگی ما موثر است. این طرح منجر به گفت‌وگویی میان من و دکتری به نام اردکانیان شد که دکتری اوقات فراغت از یک دانشگاه انگلیسی در هندوستان را داشت. ایشان می‌گفتند در دنیا درباره خنده و خندیدن تحقیقات زیادی شده اما ما در ایران و در این زمینه و در حوزه‌های آموزش بهداشت روانی جامعه، پزشکی و بیولوژیک، روابط اجتماعی، خانوادگی و... ضعف داریم. ایشان دو هزار مقاله از تحقیقات دانشمندان و پزشکان جهانی جمع‌آوری کرده بودند که از میان آنها ۹۰۰ مقاله ترجمه و تبدیل به پایه علمی خندوانه شد، مثلا در این مقالات ثابت شده بود که اگر بخندید مغز فریب می‌خورد و شروع به ترشح هورمون‌های شادی‌آور می‌کند، درنتیجه حالتان بهتر می‌شود و... همین‌ها باعث شد برای ساخت خندوانه اصرار داشته باشم و این برنامه کلید بخورد.»

جوان در ادامه صحبت‌هایش گفته بود: «یک آدم افسرده‌ای که برای بهتر شدن حالش می‌جنگد و تلاش می‌کند، نسبت به آدمی که افسردگی‌اش را پذیرفته و کاری نمی‌کند آدم موثرتری بوده و بهتر از پس زندگی‌اش برمی‌آید. وقتی شما افسرده‌ای، حال بدت مدام بیشتر و بیشتر می‌شود و با ناله کردن حالت بهتر نمی‌شود. اینکه مدام از حال بد بگوییم، ساده‌ترین نوع برخورد است. اینطور نیست که شرایط را درک نکنیم، خود من هم برای اینکه حالم بد باشد دلایل بسیار زیادی دارم، چون من هم در همان شرایط و روزگاری زندگی می‌کنم که بقیه زندگی می‌کنند و سختی‌ها را درک می‌کنم. من هم می‌دانم اوضاع و شرایط مساعد نیست اما انتخابم حال بهتر است، با این انتخاب می‌توانم با بیش از ۱۰۰ نفری که با من کار می‌کنند، بهتر رفتار کنم، بهتر شرایط را مدیریت کنم و پروژه را پیش ببرم. اگر من عصبی و افسرده باشم این پروژه می‌تواند پیش برود؟ با عصبیت و حال بد و تن دادن به آن، چه کاری از دست ما ساخته است؟ باید بدانیم که هرچقدر هم حال‌مان بد باشد، نیاز داریم به اینکه یک نفر تکان‌مان بدهد و بگوید دوام بیاور و قوی باش. خندوانه به مردم می‌گوید که دوام بیاورید، حتی اگر سخت باشد، کوچک‌ترین روزنه امید را پیدا کنید. این را مخاطبان خندوانه آنهایی که همیشه برنامه را دنبال می‌کنند به‌خوبی درک کرده‌اند اما وقتی کار به انتقاد می‌رسد، اکثر منتقدان کسانی هستند که برنامه را کامل نگاه نمی‌کنند و اگر از آنها بپرسید گزیده‌ای از برنامه را در شبکه‌های مجازی دیده‌اند. گزیده‌هایی که ممکن است با شیطنت انتخاب شده باشد و مفهوم کلی برنامه را نشان ندهد.» او بار دیگر تاکید کرد: «خاننانه‌ترین رفتار با آدم‌ها این است که امید را از آنها بگیری. وقتی امید نباشد آدم‌ها از بین می‌روند. ما باید تا لحظه آخر به یکدیگر امید بدهیم.»

چارسو

واکنش محمد معتمدی به بحران اوکراین و سوریه

محمد معتمدی از خوانندگان شناخته‌شده موسیقی ایرانی چند روز پس از آغاز بحران میان کشورهای روسیه و اوکراین، با انتشار ویدئویی در صفحه شخصی خود ضمن انتقاد از عملکرد نبعیض‌آمیز رسانه‌های اروپایی برای انعکاس رسانه‌ای این جنگ درمقایسه با دیگر کشورهای جنگ‌زده ازجمله سوریه و یمن، دل‌نوشته‌ای را منتشر کرد.

در متن محمد معتمدی که با هشتگ «نه به جنگ» منتشر شده، آمده است: «یک ویدئوی کوتاه، صادقانه، بدون روتوش، بدون بزک. یک گواه روشن برای تحلیل درست مسائل و مصائب ما در خاورمیانه. قطعا با تجاوز روسیه به خاک اوکراین مخالفم و به‌شدت آن را محکوم می‌کنم؛ اما هفت‌سال در یمن جنگ بود. بیش از ۱۰ هزار کودک کشته و زخمی شدند و همچنان ادامه دارد. هیچ متجاوزی نه تحریم شد و نه محکوم. جنگ برای هر ملت و هر کشوری محکوم است. چه اوکراین، چه یمن و چه هر جایی از کره‌زمین. نه به جنگ و نه به نژادپرستی.»

محمد معتمدی فراگیری آواز و همچنین سازنی را به‌صورت خودآموز از سنین نوجوانی آغاز کرد. از سال ۱۳۷۶ شروع به فراگیری شیوه آواز طاهرزاده نزد حمیدرضا نوربخش کرد. او همچنین به‌سبب گرایش و علاقه‌ای که به مکتب آواز اصفهان داشت، همزمان به تمرین و الگوبرداری از آواز استادانی چون تاج‌اصفهانی و ادیب‌خوانساری پرداخت.

مرد بازنده به اکران نوروز رسید

اکران نوروزی طبیعتا یکی از اکران‌های مهم سال سینمای ایران است، هفته گذشته اکران نوروزی ۱۴۰۱ مشخص شد اما برخی فیلم‌ها به‌علت نداشتن پروانه نمایش نتوانستند خودشان را به این اکران مهم برسانند؛ علفزار یک نمونه از این فیلم‌ها بود که با وجود اینکه همه موارد برای اکران را داشت اما نداشتن پروانه نمایش و حاشیه‌های دیگر باعث شد این فیلم به اکران نوروز نرسد. روز گذشته شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه خود با صدور پروانه نمایش برای فیلم «مرد بازنده» به تهیه‌کنندگی امیر بنان و محسن حجازی و کارگردانی محمدحسین مهدویان موافقت کرد.

فیلم سینمایی «مرد بازنده» یکی از هفت فیلم سینمایی پیشنهادشده ازسوی شورای صنفی اکران برای اکران نوروز ۱۴۰۱ است که با دریافت پروانه نمایش، اکران آن در این ترکیب قطعیت بیشتری پیدا کرده است.

درحال حاضر از میان هفت فیلم نوروزی، «شادروان»، «قدغن»، «موقعیت مهدی» و «مرد بازنده» اخیرا مجوز نمایش گرفته‌اند ولی هنوز تکلیف «لامینور» و «علفزار» مشخص نیست و در خبرهای غیررسمی آمده که از فهرست اکران نوروزی حذف شده‌اند. دراین‌باره بیانیه‌ای هم ازسوی کانون کارگردانان و انجمن تهیه‌کننده-کارگردان‌های سینما با درخواست اکران بی‌قید و شرط فیلم «لامینور» داریوش مهرجویی منتشر شد. به‌هرحال باید منتظر ماند تا ظرف امروز و فردا گزینه‌های قطعی اکران نوروزی ازسوی وزارت ارشاد تایید شود تا لیست قطعی فیلم‌ها برای اکران ۱۸ اسفندماه مشخص شود.

ادامه از صفحه ۱۲

کارکرد اجتماعی؛ هدف اصلی در خندوانه

صدای مهدی شاه‌حسینی که دیگر در خندوانه معروف شده است، می‌آید که از همه می‌خواهد برای ضبط بخش دوم برنامه آماده شوند. از این فرصت استفاده می‌کنم و دوباره به اتاق نویسنده‌ها برمی‌گردم تا بزدان فتوحی را ببینم و با او گفت‌وگو کنم. کسی که بزدان فتوحی، سرپرست تیم نویسندگان تبدیل شده است. بزدان فتوحی، سرپرست تیم نویسندگان در این فصل از برنامه خندوانه همراه با تیم این برنامه شده است و با نگاهی که دارد توانسته اتفاقات خوبی را در برنامه رقم بزند. بعد از اینکه گفت‌وگویم با دروبشان‌پور تمام شد، قرار شد با فتوحی صحبت کنم. او درحال گفت‌وگو با حسن معجونی بود و بعد از ۱۰ دقیقه کارش تمام شد و سوال اول را از کارکرد اجتماعی خنداونه می‌پرسم.

می‌گوید: «برنامه‌هایی مثل خنداونه در کنار سرگرمی، کارکرد اجتماعی هم دارند. قرار نیست بی‌خودی سر شما گرم شود و باید آموزشی هم در کار باشد. وقتی شما گروه می‌شوید و دست‌به‌دست می‌دهید می‌توانید از مشکل با بحران عبور کنید. چیزی که در خنداونه سال‌ها به دنبال آن بودیم هم همین است؛ اینکه درکنار هم باشیم و با دست‌به‌دست هم دادن بتوانیم کاری برای خودمان و مردم انجام دهیم. به نظرم تا زمانی که یک تیم متحد و قوی نباشیم، نمی‌توانیم کار بزرگی انجام بدهیم. کارکرد برنامه‌سازی هم همین است که به شما یادآوری کند تنها نیستید و با جمع، آدم‌ها و کسانی که شاید همزبان شما نباشند می‌توانید کاری را جلو ببرید.»

صحبت‌هایش تمام می‌شود و چند نفر از بچه‌ها می‌دهد و سوال بعدی را می‌پرسم که این برنامه در این ۷ یا ۸ سالی که درحال فعالیت است، مطمئنا رقبای زیادی پیدا کرده و فضای مجازی و شبکه نمایش خانگی دو نمونه از این رقبا هستند. از نوع رقابت‌شان می‌پرسم و اینکه چگونه می‌تواند مردم را سرگرم کند، کمی فکر می‌کند و می‌گوید: «نگاه اصلی و اشتباهی که وجود دارد همین رقابت است. این دیالوگ به حدی بین کسانی که برنامه‌سازی دارند، اتفاق افتاده است که به آن اهمیت می‌دهیم.»

می‌پرسم یعنی نباید رقابت وجود داشته باشد؟ و می‌گوید: «خیر، من این اعتقاد را ندارم. در همه جای دنیا همین است. یک‌سری برنامه‌ها هستند که باید مخاطب خاص خود را در یک حوزه داشته باشند و یک‌سری برنامه‌های دیگر هم مخاطب خاص خود را در حوزه‌های دیگر دارند. یعنی شما نمی‌توانید برای سلیقه همه آدم‌ها یک برنامه ثابت بسازید. مثلا وقتی من سریالی می‌سازم نمی‌توانم و نباید رقیب رامبد جوانی باشم که خنداونه می‌سازد چون او لایتی از مخاطب را درگیر می‌کند و من لاین دیگری را. حتی با همین خنداونه مردم با طنز آشنا می‌شوند و تربیت می‌شوند تا به تماشای سریال من بنشینند. رقابت در هنر اصلا معنی ندارد؛ چون شما یک وظایفی با یک جهان‌بینی دارید و هنرمندی دیگر با یک جهان‌بینی دیگر وظیفه دیگری دارد و درنهایت همه کنار هم هستیم.»

می‌گویم یعنی رقابت باعث پیشرفت نمی‌شود؟ سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «در برنامه‌سازی‌های این‌چنینی خیر. اگر خلاقیت داشته باشید و هر روز خود را به‌روز کنید هیچ نیازی به رقابت با دیگران ندارید.»

از خلاقیت در خنداونه می‌پرسم و می‌گوید: «خنداونه اهمیت در جمع و با جمع بودن و خوش بودن را نشان داد؛ اینکه در جمع باشیم و با خانواده باشیم و در کنار هم باشیم و به اتفاق‌های خوب فکر کنیم و با همه سختی‌ها امیدوار به ادامه باشیم چون کنار هم هستیم. این همان رسالت تلویزیون است. این برنامه‌ای است که رقابت کردن با آن سخت است و اصلا نیازی به رقابت نیست. یک‌سری آدم در همه جای دنیا وجود دارند که مخصوص ساختن یک‌سری برنامه‌ها هستند. یک نفر فقط باید کمدی بسازد، یک نفر دیگر باید برنامه‌های گفت‌وگومحور بسازد. در اینجا نیازی نیست بخواهیم یکی شبیه آن بسازد، درحالی که یکی داریم. این حرف من، مثل یک خواننده است، مثلا یک صدا داریم، چرا باید شبیه آن چند صدا داشته باشیم یعنی می‌بینند وقتی کار یکی می‌گیرد، می‌گویند خب ما هم مانند او بخوانیم. ممکن است مدت کوتاهی کارشان بگیرد اما درنهایت حذف می‌شوند. باید این‌طور بگویم که یک‌سری سودجو سود خود را انجام می‌دهند و تمام می‌شود ولی در کل کمکی به فرهنگ و رسانه ما نمی‌کنند. در این مدت چقدر آدم بزرگ تربیت کردیم؟ مثلا اگر خنداونه تمام شود کسی مثل رامبد تربیت شده که برنامه این‌چنینی بسازد؟ اگر بخواهد چنین اتفاقی بیفتد، نهایتش تقلید کردن است. اما مثلا همین «خنداننده‌شو» که سه قسمتش پخش شده است، از بین ۲۰ نفر بالاخره یکی می‌تواند در بخش نویسندگی کار کند و تربیت شود. یکی از اینها در آینده فیلمساز و یکی هم بازیگر می‌شود. حداقل سه نفر از این ۲۰ نفر را می‌توانید به‌عنوان یک استعداد بیرون بکشید.»

می‌گویم برای همین است وقتی این چند دوره خنداننده‌شو برگزار شد یک‌سری آدم‌ها حفظ شدند تا این کارها را انجام دهند؟ سری تکان می‌دهد و می‌گوید: «بله. یکی از خوبی‌های این برنامه همین است که استعداد پیدا می‌کند و آنها را نگه می‌دارد و تربیت می‌کند و حتی وارد بازار کار می‌شوند و در همین کار می‌مانند. نمونه‌اش شرکت‌کننده‌های همین دوره. این بچه‌ها وارد شدند، استعدادشان دیده شده و مشغول تربیت شدن و تمرین هستند و به‌زودی مانند بقیه شرکت‌کننده‌ها در دوره‌های قبلی راه خود را پیدا می‌کنند. این کار خیلی بزرگی است که در برنامه‌های ما کم پیش می‌آید.»

سوال بعدی را با این موضوع شروع می‌کنم که برخی از برنامه‌ها در تلویزیون فقط می‌خواهند به مخاطب آموزش بدهند، یعنی وقتی جلوی دوربین می‌روید یک پیام آموزشی داشته باشید. چقدر این موضوع در خنداونه دیده می‌شود؟ تا می‌خواهد جواب بدهد از او سوالی در مورد ضبط خنداننده‌شو امشب می‌پرسم و بعد از جواب می‌گوید: «ببینید ما در برنامه‌مان این را نداریم، ولی یک ورودی در سالم اول داریم که در آن درباره مسائل مهم اجتماعی حرف می‌زنیم. مهم‌ترین قرارمان در نوشتن و اجرای آن هم این است که حرفی که به آن باور نداریم نزنیم. به این ترتیب فقط به مخاطب نمی‌گوییم که چه کاری کند و چه کاری نکند. می‌گوییم ما این کار را کردیم و نتیجه خوبی گرفتیم و شما هم امتحان کنید، شاید برای شما هم جواب داد.»

از چگونگی انتخاب ایده‌ها و سوژه‌ها می‌پرسم و می‌گوید: «ما در اتاق نویسندگان همه درحال ایده دادن و بحث هستیم و همه کارها را گروهی انجام می‌دهیم. کسی تک نفره کاری انجام نمی‌دهد. من ایده‌ای دارم و دوست نویسنده دیگر هم ایده‌ای دارد و همین‌طور ایده‌ها را بازگو می‌کنیم و پخته می‌کنیم و رامبد هم وارد می‌شود. خود رامبد پر از ایده است. هر بار که از جلوی اتاق نویسندگان رد می‌شود یک نکته‌ای بیان می‌کند و یک چیزی می‌نویسد و اینها شکل می‌گیرد. همه چیز تیمی است. خنداونه یک نفر نیست. این را به جرات می‌گویم چون یکی از دلایلی که من رامبد را دوست دارم و با او همکاری می‌کنم همین دیالوگ است که ما اینجا یک نفر نیستیم. من ۲۴ سال است که در این حرفه کار می‌کنم. در این مدت کم دیده این‌طور هماهنگ و متحد در یک تیم کار کنید. خوشحال هستم چون با یک گروه، کار تیمی می‌کنم. اعضای تیم‌ها کار خود را انجام می‌دهند و به درستی آن را انجام می‌دهند.»

ضبط نیمه‌نهایی درحال انجام است. در اتاقی که نشسته‌ام همه درحال کل کل هستند که بالاخره تربیت‌ها چه کسانی خواهند بود، نیما نافع و مصطفی احمدی از مازندران (این دوره از خنداننده‌شو دو تنا مصطفی احمدی داشت که با اسم شهرهایشان صدایشان می‌کردند) که در این دوره خنداننده‌شو حضور داشتند با حرف‌هایشان بچه‌های داخل اتاق را می‌خنداندند و درکنارش هم مشخص است که درحال آماده شدن هستند تا بتوانند برای استندآپ امشب بروند.

وزنه سنگین خندوانه

یکی از علاقه‌مندی‌های خودم به خندوانه کاری است که محمود کریمی در پشت صحنه این برنامه انجام می‌دهد. کاملا مشخص است که به کارش وارد است و با تیمی که دارد به خوبی توانسته کارش را در خنداننده انجام بدهد، دقیقا همه بچه‌های پشت صحنه هم او را دوست دارند. می‌بینم که از پله پایین می‌آید تا بعد از تمام شدن ضبط مرحله نیمه‌نهایی با بچه‌های خنداننده‌شو مصاحبه کند. با صدای دوباره مهدی شاه‌حسینی همه به داخل اتاق‌ها می‌روند و درها بسته می‌شوند. با وجود اتاق‌های شیشه‌ای می‌توانم ببینم که درحال مصاحبه با هانا ستوهی است که دیگر از مسابقه حذف شد. نوع تسلطی که به کارش دارد باعث شده است که یکی از وزنه‌های سنگین خندوانه باشد.

برنامه‌های سرگرمی نباید تک‌بعدی باشد

ضبط نیمه‌نهایی تمام می‌شود و داوران به پشت صحنه می‌آیند. حسن معجونی درحال کار کردن با گوشی موبایلش است و با نازنین متین‌نیا به سمت اتاقش می‌رویم، از او وقتی برای گفت‌وگو می‌گیرم و با خنده‌ای که روی لبش است موافقت می‌کند و من هم قول می‌دهم که بیشتر از ۱۰ دقیقه وقتش را نگیرم.

سوال اول از چرایی قبول کردن حضور دوباره‌اش در داوری خنداننده‌شو است و اینکه آیا به این موضوع فکر کرده است که با حضور در این برنامه می‌تواند در این اوضاعی که برای مردم سخت می‌گذرد، کمی خنده به لب‌شان بیاید؟ کمی فکر می‌کند و در جواب می‌گوید: «برای ما لازم است که روحیه خود را حفظ کنیم و می‌دانم که برنامه‌های زیادی برای همین موضوع ساخته می‌شود ولی چرا این را انتخاب کردم؟ چون استندآپ را دوست دارم و اینجا تنها مرجع رسمی آن است. امیدوارم که در این برنامه اتفاقات جدی در حوزه استندآپ بیفتد. دوست دارم که در این راه کمک کنم و تاثیرگذار باشم.»

سوال بعدی را در مورد کارکرد اجتماعی خندوانه می‌پرسم و اینکه کاری که در این برنامه انجام می‌شود، غیر از خندانندن مردم مطمئنا باید به مسائلی که در جامعه اتفاق می‌افتد هم بی‌اعتنا نباشد، از چرایی مهم بودن این موضوع می‌پرسم که چقدر در برنامه‌های این‌چنینی باید این کارکرد اجتماعی درنظر گرفته شود؟

لبخندی که روی لبش است بیشتر می‌شود و می‌گوید: «این کارکرد باید باشد. برنامه‌هایی که وجهه سرگرمی دارند نباید تک‌بعدی باشند. ما عادت نداریم که فقط به سرگرم کردن و خنداندن فکر کنیم. یک برنامه شبیه یک انسان است؛ ابعاد مختلفی دارد و باید پاسخگوی همه باشد. برنامه فقط پاسخگوی یک قشر خاص نیست. اگر دریک رسانه‌ای هستیم که متعلق به همه است باید جوابگوی همه اقشار جامعه باشیم.»

تشکر می‌کنم و کمی هم در مورد فیلم سینمایی «شب طلایی» که در آن ایفای نقش کرده بود حرف می‌زنیم، با آمدن مهدی شاه‌حسینی و اینکه باید برای ضبط برنامه بروند، حرف‌هایمان تمام می‌شود. صدای رامبد جوان از داخل استودیو می‌آید که در کنار علیرضا افتخاری که میهمان امشب برنامه بود درحال صحبت است و از او می‌خواهد آهنگی بخواند.

همه بچه‌ها پشت صحنه درحال حرکت هستند و این موضوع کاملا نشان‌دهنده این است که این برنامه توسط یک تیم ساخته می‌شود، تیمی که همه با هم هماهنگند. ضبط برنامه به پایان رسیده و کارتنی را که در بدو ورود به دستم دادند تحویل می‌دهم. درحال تماشای بچه‌های گروهم که با هم خوش‌وبش می‌کنند و خسته نباشید به هم می‌گویند. با صدای سلامی برمی‌گردم و رامبد جوان را می‌بینم. سلام کرده و خودم را معرفی می‌کنم که برای گزارش از پشت صحنه آمده‌ام با خوش‌رویی جوابم را می‌دهد و تشکر می‌کند و به سمت بچه‌ها می‌رود و با همان لبخندی که بر لب دارد خسته نباشید می‌گوید، یاد حرف‌های یزدان فتوحی می‌افتم که می‌گفت: «اینجا در خنداننده هیچ کسی به تنهایی تصمیم نمی‌گیرد و همه یک تیم هستیم و همین تیم بودن به ما کمک می‌کند که در کنار هم یک برنامه قابل قبول را ارائه بدهیم.»

ادامه در صفحه ۱۳

خون‌آشام نقش جدید ویل اسمیت

دنباله فیلم سینمایی «من افسانه هستم» با حضور «ویل اسمیت» و همچنین «مایکل بی‌جردن» ساخته می‌شود.

یک‌سال پس از ساخت فیلم سینمایی «من افسانه هستم» توسط «فرانسیس لاورنس»، قسمت دوم این فیلم تخیلی و آخرالزمانی با حضور مجدد «ویل اسمیت» و همچنین اضافه‌شدن یک چهره سرشناس یعنی «مایکل بی‌جردن» مقابل دوربین خواهد رفت.

این نخستین‌باری است که «ویل اسمیت» و «مایکل بی‌جردن» در یک فیلم سینمایی همبازی می‌شوند.

هنوز جزئیاتی درباره داستان دنباله «من افسانه هستم» منتشر نشده اما در انتهای قسمت اول شخصیت «رابرت نویل» (با بازی ویل اسمیت) خود را می‌کشد تا دو نفر دیگر همراه با درمانی که او برای خون‌آشامی ایجاد کرده فرار کنند و این دو نفر ماجرای فداکاری «رابرت نویل» را برای دیگر بازماندگان تعریف می‌کنند و او تبدیل به یک افسانه می‌شود.

«ویل اسمیت» و «مایکل بی‌جردن» هر دو به‌عنوان تهیه‌کننده نیز با این پروژه همکاری خواهند داشت و «آکیوا گلدزمن» همچون قسمت نخست، نگارش فیلمنامه را برعهده دارد.

قسمت اول «من افسانه هستم» در سال ۲۰۰۷ اکران شد و با بودجه ۱۵۰ میلیون دلاری درنهایت به فروش ۵۸۵ میلیون دلاری در گیشه جهانی دست یافت.

آغاز نمایشگاه کتاب بیروت با حضور ایران

نمایشگاه کتاب «بیروت» با حضور نخست‌وزیر لبنان و نمایندگان ایران آغاز به‌کار کرد. شصت‌وسومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب «بیروت»، پنجشنبه دوازدهم اسفندماه با حضور «نجیب میقاتی» نخست‌وزیر لبنان، جمعی از مقامات و شخصیت‌های سیاسی، دانشگاهی، دینی و فرهنگی لبنان و نمایندگانی از جمهوری اسلامی ایران افتتاح شد.

این دوره از نمایشگاه کتاب «بیروت» پس از وقفه سه‌ساله به‌دلیل ناآرامی‌های داخلی، شیوع ویروس کرونا و انفجار بندر بیروت که باعث تخریب مکان برگزاری نمایشگاه شد، پس از بازسازی یکی از سالن‌های نمایشگاهی، به مدت ۱۰ روز درحال برگزاری است.

در این دوره از نمایشگاه ناشرانی از مصر، عراق، عربستان و ایران حضور دارند. خانه کتاب